

معلمی را رهانمی کنم!

گفت و گو با حجة الاسلام رضا محمدی
مدرس و کارشناس دینی رادیو معارف

حسین امامی

تمام دوره‌هایی که رئیس آموزش و پرورش بودم، هرگز تدریس و کلاس را ترک نکردم. در سال ۸۰ یا ۷۹ به‌عنوان کارشناس دینی همکاری با رادیو معارف را شروع کردم که هنوز هم ادامه دارد. برنامه‌ما یکی از مفصل‌ترین و به قول خودشان پرشنونده‌ترین برنامه‌هاست و «پرسمان» نام دارد. برنامه‌های دیگری هم در رادیو معارف دارم اما عمده برنامه‌هایم برنامه‌های پرسمان و پرسش و پاسخ اعتقادی است.

در شبکه‌های مختلف سیما مانند شبکه یک، شبکه سه، شبکه قرآن و شبکه قم (شبکه نور) و برخی شبکه‌های ماهواره‌ای مثل شبکه ولایت، که شبکه ماهواره‌ای

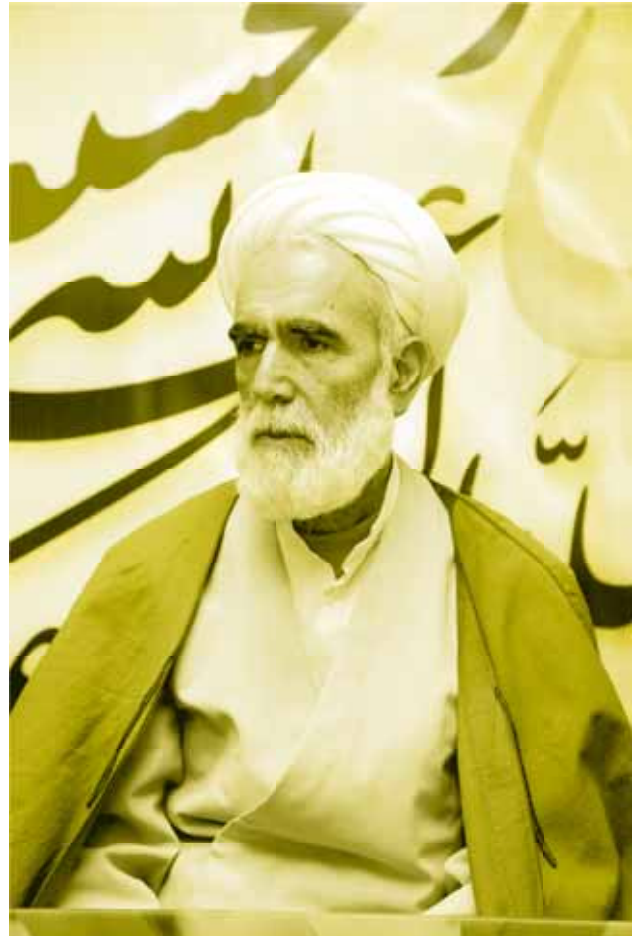
از روستاهای شاهرود به نام ابرسج هستیم. دوران دبیرستان را در شاهرود گذراندم و برای تحصیلات دانشگاهی به قم رفتم. در آن زمان مرکز آموزش عالی وابسته به دانشگاه تهران بود که در آنجا در رشته حقوق قضایی درس خواندم. آن زمان کسانی که معدلشان بالای سه بود بدون کنکور تا دکتری ادامه می‌دادند ولی من با اینکه معدل بالایی سه و نیم بود ادامه تحصیل در حوزه را هم‌زمان با معلمی برگزیدم. بعد از انقلاب برای بعضی از مسئولیت‌های آموزشی، به غرب کشور رفتم. دو - سه سالی در کرمانشاه بودم. بعدها به کاشان رفتم. سپس به قم آمدم و رئیس آموزش و پرورش قم شدم. در

اشاره

حجة الاسلام محمدی کارشناس متبحر دینی یکی از محبوب‌ترین و پرشنونده‌ترین برنامه‌های رادیو معارف به نام «پرسمان» است. او اعتقاد دارد این تبحر را مدیون سال‌ها تدریس است. تجربیات او می‌تواند در تدریس و پاسخگویی موفق به شبهات مؤثر واقع شود.

آقای محمدی، مختصری درباره زندگی خودتان، دوران تحصیل و تدریس، استادان و معلم‌هایی که داشته‌اید، بگویید.

رضا محمدی، متولد ۱۳۳۰ اهل یکی



تحت نظر آیت‌الله مکارم شیرازی است، هفته‌ای دو ساعت به پرسش‌های مردم سراسر دنیا، از هر جایی که تماس بگیرند، پاسخ می‌دهیم. کارهای رسانه‌ای هم داریم.

شما شغل معلمی را به عنوان یک هدف مقدس انتخاب کردید یا به قول بعضی‌ها از بد حادثه به این شغل پناه آوردید؟

نه، من به معلمی علاقه داشتم. موقعی که در شاهرود در سال سوم دبیرستان تحصیل می‌کردم، در سال اول دبیرستان، تاریخ و زبان انگلیسی تدریس می‌کردم. قدم قدری بلند بود و بچه‌ها هم خیال می‌کردند واقعاً من معلمم. ساعت‌های ورزش و برخی ساعت‌های دیگر برنامه‌ریزی کرده بودند تا من تدریس کنم. تا اواسط سال که کم‌کم دبیر پیدا

می‌کردند؛ وقتی که لیسانس قضایی گرفتم، از شورای عالی قضایی که آن زمان شهید بهشتی در رأس شورا بود، بنده را دعوت کردند که برای قضاوت بروم اما نرفتم. گفتم که شغل معلمی را رها نمی‌کنم. یک شرکت تجاری هم بود که از ژاپن اتومبیل وارد می‌کرد. به من گفتند شما کار معلمی را رها کن و بیا اینجا. فکر کنم گفتند ۱۰ برابر به شما حقوق می‌دهیم. گفتم اگر می‌خواهید معلمی را تعطیل کنم، صد برابر حقوق معلمی هم به من پول بدهید، نمی‌پذیرم.

شما کلاس‌هایتان را چگونه اداره می‌کنید که برای دانش‌آموزان و دانشجویان، جذاب و تأثیرگذار باشد؟

مقدمات و ضرورت‌هایی هست که باید در معلم وجود داشته باشد. معلم باید اطلاعات لازم را داشته باشد. عشق و علاقه به کار نیز باید وجود داشته باشد و آن قصد قربت، که اصولاً بر کلاس فضای معنوی حاکم می‌کند و برخی چیزها مثل اینکه، معلم همیشه با وضو سر کلاس باشد. «الوضوء نور»، علم هم نور است. نماز شب خیلی مؤثر است، برای اینکه آن فضای معنوی در کلاس حاکم شود. بعضی امور به‌طور قهری تأثیر می‌گذارد و تأثیرش هم خیلی زیاد است. اینکه معلم شخصیت معنوی و علمی‌اش را در کلاس تحمیل کند، طوری که کلاس آرام باشد و وجدان جمعی کلاس بگوید این معلم پاسخ‌گوی نیازهای علمی و معنوی ماست. دانش‌آموزان و دانشجویان باید معلم را باور کنند تا حالت آرامشی در کلاس ایجاد شود. این یک بخش کار است. علاوه بر این، معلم از نظر علمی هم باید دستش پر باشد و هم از نظر معنوی برای خدا به کلاس برود. با «بسم رب» شروع کند و توجه داشته باشد که مقدس‌ترین کارها را انجام می‌دهد و رسالتش رسالت خدا و انبیا و همه اولیای خداست. این مسائل همان امهات و زمینه‌های کار و

اصول و خمیرمایه اصلی کار است. مسائل دیگری هم وجود دارد که در این امر بسیار مؤثر است. مثلاً زمانی که در دبیرستان‌ها درس دینی تدریس می‌کردم، کلاس را به‌صورت فعال اداره می‌کردم. این‌طور نبود که به کلاس بروم و شروع به درس دادن کنم و برایم مهم نباشد که بچه‌ها گوش می‌کنند، یا نمی‌کنند. می‌فهمند، یا نمی‌فهمند. غالباً آن‌قدر از کلاس می‌پرسیدم تا آنچه را می‌خواهم بگویند. بعد هم آنچه را می‌گفتند، دسته‌بندی می‌کردم. وقتی آن‌ها فکر می‌کردند که این مطلب، مطلب خودشان است، استقبال می‌کردند. کلاس را فعال نگه می‌داشتیم. نه اینکه بروم سر کلاس و سخنرانی کنم. ضمن اینکه همیشه مطالب مهم را دسته‌بندی می‌کردم و رئوس مطالب را پای تخته می‌نوشتیم. چیزهایی را که باید در ذهن بچه‌ها می‌ماند، توصیه می‌کردم که در دفتر جداگانه و حاشیه کتاب‌هایشان بنویسند و بعد به آن‌ها می‌گفتم جمله‌ای که در حاشیه کتابتان نوشته‌اید به اندازه چند سال مطالعه، تأثیر دارد.

به نظر شما یک معلم دینی اثرگذار چه صفاتی باید داشته باشد؟

یک بار اشاره کردم که در دو زمینه باید معلم خصوصیتی داشته باشد: یکی در زمینه علمی و تخصصی که هر چه معلم آگاه‌تر باشد و تخصص بیشتری در رشته خودش داشته باشد موفق‌تر است. این از ضروریات است. معلمی که دستش خالی باشد، نمی‌تواند تدریس مؤثری داشته باشد. ذات نایافته از هستی بخش / کی تواند که شود هستی بخش

خشک ابری که بود ز آب تهی / ناید از وی صفت آب دهی
امکان ندارد معلم با خدا و قرآن سروکار و ارتباط نداشته باشد و از قرآن کسب معنویت نکند آن وقت بخواهد موفق باشد. کلام اهل بیت علیهم‌السلام نور است. معلم باید

در این زمینه‌ها هم اطلاعات داشته باشد. بنده قبل از انقلاب در دبیرستان گاهی ادبیات فارسی تدریس می‌کردم. می‌گفتم آزادید که شعر حفظ کنید یا حدیثی که من روی تخته می‌نویسم و بچه‌ها حدیث را حفظ می‌کردند. مطمئنم که آن محفوظات الان که آن دانش‌آموزان مشغول کاری شده‌اند، موارد زیادی را به آن‌ها یادآوری می‌کند.

آقای محمدی بسیاری از دبیران این سؤال را دارند که چه کار کنند تا مثل شما توانایی پاسخ‌گویی به پرسش‌های جوانان را داشته باشند؟

چهار گام باید بردارند: یکی اینکه اطلاعات لازم را به دست بیاورند؛ کلاس بهترین جا برای این کار است. اگر تدریس کنند، مطالب در ذهنشان نهادینه شده و می‌ماند. دوم باید شیوه‌های پاسخ‌گویی را فرا بگیرند که شاید این درس را در حد دو واحد دانشگاهی بتوان تدریس کرد. بنابراین آشنایی با شیوه‌های پاسخ‌گویی دومین کاری است که باید انجام داد. سومین کار، تمرین و ممارست است.

من وقتی پاسخ‌های سال‌های قبل خودم را با امروز مقایسه می‌کنم می‌بینم پاسخ‌های الان خیلی پخته‌تر، دقیق‌تر، دسته‌بندی‌شده‌تر است و این‌ها بر اثر تمرین و ممارست پیش آمده است. چهارمین مطلب، که شاید از بقیه مهم‌تر باشد، این است که کار برای خدا باشد؛ یعنی اگر با قصد قربت وارد این کار شوند قطعاً توانایی آن را خواهند یافت.

با توجه به سؤالات زیادی که از شما می‌کنند؛ به نظر شما بزرگ‌ترین مسئله‌ای که امروز نسل جوان را تهدید می‌کند چیست و دبیران دینی چگونه می‌توانند با آن مبارزه کنند؟

به نظر من مهم‌ترین و ریشه‌ای‌ترین مسئله ما مباحث اعتقادی است. ما مباحث اعتقادی را خیلی آسان تلقی می‌کنیم. در

معارف دین سه فقه وجود دارد: فقه اکبر که عقاید است، فقه اوسط که اخلاق و تربیت است و فقه اصغر که همان احکام فقه است. فقه اکبر که بنیان و اساس و ریشه همه معارف دین است و همه زندگی انسان به آن منتهی می‌شود، مورد غفلت واقع شده است. خطری که اکنون جوانان را تهدید می‌کند، ضعف‌های اعتقادی و اعتقادات موروثی و پر از خرافه است که متأسفانه هست و می‌بینید که جوان با یک شبهه متزلزل و منحرف می‌شود. باید روی این زمینه بیشتر سرمایه‌گذاری شود. طبیعتاً اگر عقاید آن‌طور که باید مناسب گفته شود، اخلاق هم خوب می‌شود. مثلاً مباحث راجع به توحید، معاد، نبوت و امامت خودبه‌خود مباحث اخلاقی را حل می‌کنند. وقتی ما راجع به نبوت صحبت می‌کنیم، خودبه‌خود سیره و اخلاق پیامبر ﷺ بیان می‌شود. همان‌طور که در بحث معاد، وقتی مثلاً عوامل فشار قبر گفته می‌شود؛ خودبه‌خود، موضوع تربیت اخلاقی هم به میان می‌آید، همین‌طور اگر عقاید ریشه‌ای و برهانی و مستحکم در جامعه مطرح شود، معتقدم که بقیه آن انحرافات اخلاقی و غیراخلاقی خودبه‌خود حل می‌شوند.

در مورد آثار و کتاب‌هایتان هم برای ما توضیح بدهید.

بیست‌وپنج سال پیش کتابی با عنوان «امام حسن (ع) مظلوم تاریخ» نوشتم که برای دبیرها و طلاب خیلی خوب است اما نمی‌دانم اخیراً تجدید چاپ شده است یا نه. شرحی هم بر کشف‌المراد نوشته‌ام. کشف‌المراد یکی از مهم‌ترین کتاب‌های کلامی و اعتقادی ماست. کتاب‌هایی نیز در زمینه پاسخ‌گویی به شبهات وهابی‌ها مثل «پندارها و پاسخ‌ها در ساحل حقیقت» و همچنین کتاب‌هایی در زمینه قرآن نوشته‌ام نظیر «روش‌های حفظ قرآن»، «روش‌های فهم معانی قرآن» یا «جزء آخر قرآن» که در حد رسانه‌ای شرح و تفسیر کرده‌ام. مجموعه پرسش

و پاسخی را هم که در رادیو معارف داشتیم، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، که مرکزی مفصل و معتبر است، پیاده و تدوین کردند که شش، هفت جلد شده و با عنوان پرسش و پاسخ‌هایی که از رادیو معارف پخش شده، به چاپ رسیده است. مقاله‌های دایرةالمعارفی یا علمی هم نوشته‌ام که در برخی از دایرةالمعارف‌ها مثل «دایرةالمعارف بزرگ قرآن» و بعضی از نشریات منتشر شده است.

دو دوره کتاب درسی عقاید برای طلاب خارج از کشور هم در دو مقطع نوشته‌ام؛ یکی مقطع کارشناسی، یکی هم در مقطع کاردانی که آن‌ها هم برخی از جلد‌هایش به فارسی چاپ شده و ترجمه‌اش را خبر ندارم به چه زبان‌هایی انجام شده چون برای طلاب خارج از کشور نوشته شده است. البته اطلاعات ندارم به چه زبانی و کجا چاپ شده است. آن کتاب هم بار دیگر در آینده نزدیک در حد کارشناسی چاپ می‌شود و ان‌شاءالله در اختیار افراد قرار می‌گیرد.

در پایان اگر مطلبی دارید که می‌خواهید با دبیران دینی در میان بگذارید بفرمایید. دبیران دینی چگونه می‌توانند با شما ارتباط برقرار کنند؟

پیام‌نگار (ایمیل) من rezaqom3@yahoo.com است که می‌توانند تماس بگیرند. همچنین به‌خاطر علاقه به دبیران دینی شماره ۰۲۵۳۶۶۳۳۸۹۵ تا ۹ ساعت ۱۰ شب جواب می‌دهم. منتها با توجه به اینکه تراکم کاری زیاد است، دوستان حتی‌المقدور تا ضرورت نداشته باشند، تماس نگیرند. ایمیل‌ها را هفته‌ای یکی-دو بار چک می‌کنم و اگر نیاز باشد، پاسخ می‌دهم یا اینکه شماره تلفنی به آن‌ها می‌دهم که تماس بگیرند. ان‌شاءالله موفق باشند و تکلیف و رسالتی که بر دوششان است را **مشروح در** هتند.

<http://weblog/roshdmag.ir/maaref>